

مکالمه عربی در فرودگاه و تاکسی

العَرَبِيَّةُ فِي الْمَطَارِ وَالتَّكْسِي

از کانتر پرواز تا باجه کنترل گذرنامه، نوار بار، گم شدن چمدان و آدرس دادن به راننده؛ با اِعراب کامل، تلفظ به خط فارسی، ترجمه، نکته‌های آموزشی و یک مکالمه کامل به گویش خلیجی.



در این جزوه

مکالمه به گویش خلیجی

۵ مکالمه کامل

۳۰ واژه کلیدی

۱۲ تابلوی فرودگاه

اعداد و ساعت به عربی

کارت جیبی

تمرین با پاسخ

آدرس دادن روی نقشه

پیش از شروع: عدد و ساعت

در فرودگاه و تاکسی بیشتر از هر جای دیگری عدد می‌شنوید: شماره گیت، ساعت پرواز، وزن چمدان و کرایه. اگر فقط یک صفحه از این جزوه را حفظ می‌کنید، این صفحه باشد.

۱	وَاحِد	وَاحِد	۲	إِثْنَان	إِثْنَان	۳	ثَلَاثَة	ثَلَاثَة
۴	أَرْبَعَة	أَرْبَعَة	۵	خَمْسَة	خَمْسَة	۶	سِتَّة	سِتَّة
۷	سَبْعَة	سَبْعَة	۸	ثَمَانِيَة	ثَمَانِيَة	۹	تِسْعَة	تِسْعَة
۱۰	عَشْرَة	عَشْرَة	۱۲	إِثْنَا عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ	۲۰	عِشْرُون	عِشْرُون
۳۰	ثَلَاثُون	ثَلَاثُون	۵۰	خَمْسُون	خَمْسُون	۱۰۰	مِئَة	مِئَة

اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها – شکل رقم‌های عربی با فارسی فرق دارد

- رقم‌های ۴، ۵ و ۶ در عربی این‌طور نوشته می‌شوند: ٤ ٥ ٦. پنج عربی (٥) شبیه صفر گرد است و صفر عربی (٠) یک نقطه کوچک. پس ٥٠ یعنی «پنجاه»، نه «صفر و صفر».
- در امارات، قطر و فرودگاه‌های بزرگ روی تابلوها و بلیت‌ها معمولاً رقم لاتین (1، 2، 3...) هم کنار رقم عربی می‌آید.

نکته آموزشی – گفتن ساعت

- برای ساعت از عدد ترتیبی استفاده می‌شود: السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ (ساعت سه)، السَّاعَةُ الْعَاشِرَة (ساعت ده).
- و نیم: وَالنِّصْفُ؛ و ربع: وَالرُّبْعُ؛ یک ربع مانده: إِلَّا رُبْعًا.
- «ساعت چند است؟» = كَمْ السَّاعَة؟

نکته آموزشی – عدد و اسم بعد از آن

- از ۳ تا ۱۰، اسم جمع می‌آید: ثَلَاثَةُ دَرَاهِمٍ (سه درهم).
- از ۱۱ به بعد، اسم مفرد می‌آید: عِشْرُونَ دِرْهَمًا (بیست درهم).
- در گفتار روزمره بیشتر مردم ساده‌تر می‌گویند: «عشرین دِرْهَم». هر دو را خواهید شنید.

۱ در فرودگاه

في المطار

اول تابلوها را بشناسید؛ در فرودگاه‌های کشورهای عربی همه چیز با این دوازده کلمه پیدا می‌شود.



واژه‌های کلیدی

عربی	تلفظ	معنی	در گویش خلیجی
مَطَار	مَطَار	فرودگاه	—
رَحْلَة	رَحْلَة	پرواز؛ سفر	—
تَذَكُّرَة	تَذَكُّرَة	بلیت	—
بِطَاقَةُ الصُّعُود	بِطَاقَتُصُّعُود	کارت پرواز	—
بَوَابَة	بَوَابَة	گیت	—
حَقِيبَة / حَقِيبَة يَد	حَقِيبَة / حَقِيبَة يَد	چمدان / کیف دستی	سَنْطَة: سَنْطَة
وَزْن زَائِد	وَزْن زَائِد	اضافه‌بار	—
تَأْشِيرَة	تَأْشِيرَة	ویزا	فیزا: فیزا
إِقَامَة	إِقَامَة	اجازه اقامت	—
مُتَأَخِّرَة / مُلْغَاة	مُتَأَخِّرَة / مُلْغَاة	تأخیر دارد / لغو شده	—
مَقْعَد	مَقْعَد	صندلی	—
بِجَانِبِ النَّافِذَة / الممر	بِجَانِبِ نَافِذَة / أَل مَمَر	کنار پنجره / کنار راهرو	—
مَبْنَى	مَبْنَى	ترمینال (ساختمان)	—
مَفْقُود	مَفْقُود	گم شده	—
طَائِرَة	طَائِرَة	هواپیما	طَيَّارَة: طَيَّارَة

مکالمه ۱ – کانتر پذیرش پرواز. شما در فرودگاه برای پرواز برگشت به تهران بار تحویل می‌دهید. کارمند کانتر خانم است.

جَوَازُ السَّفَرِ وَالتَّذَكُّرَةِ، مِنْ فَضْلِكَ.

کارمند

تلفظ: جَوَازُ سَفَرٍ وَتَذَكُّرِهِ، مِنْ فَضْلِكَ.
ترجمه: گذرنامه و بلیت، لطفاً.

تَفَضَّلِي.

شما

تلفظ: تَفَضَّلِي.
ترجمه: بفرمایید.

كَمْ حَقِيبَةٍ مَعَكَ؟

کارمند

تلفظ: كَمْ حَقِيبَتَيْنِ مَعَكَ؟
ترجمه: چند چمدان همراهتان است؟

حَقِيبَةٌ وَاحِدَةٌ، وَحَقِيبَةٌ يَدٌ صَغِيرَةٌ.

شما

تلفظ: حَقِيبَةٌ وَاحِدَةٌ، وَحَقِيبَتُ يَدٍ صَغِيرَةٌ.
ترجمه: یک چمدان و یک کیف دستی کوچک.

ضَعِ الْحَقِيبَةَ عَلَى الْمِيزَانِ... عِنْدَكَ وَزْنٌ زَائِدٌ.

کارمند

تلفظ: ضَعِ حَقِيبَتَهُ عَلَى مِيزَانٍ... عِنْدَكَ وَزْنٌ زَائِدٌ.
ترجمه: چمدان را روی ترازو بگذارید... اضافه‌بار دارید.

كَمْ يَجِبُ أَنْ أَدْفَعَ؟

شما

تلفظ: كَمْ يَجِبُ أَنْ أَدْفَعَ؟
ترجمه: چقدر باید پرداخت کنم؟

أَوْ يُمْكِنُكَ أَنْ تَنْقُلَ بَعْضَ الْأَغْرَاضِ إِلَى حَقِيبَةِ الْيَدِ.

کارمند

تلفظ: أَوْ يُمْكِنُكَ أَنْ تَنْقُلَ بَعْضَ أَغْرَاضٍ إِلَّا حَقِيبَتَيْ يَدٍ.
ترجمه: یا می‌توانید بعضی وسایل را به کیف دستی منتقل کنید.

حَسَنًا، شُكْرًا. هَلْ يُمْكِنُنِي الْجُلُوسُ بِجَانِبِ النَّافِذَةِ؟

شما

تلفظ: حَسَنًا، شُكْرًا. هَلْ يُمْكِنُنِي الْجُلُوسُ بِجَانِبِ نَافِذَةٍ؟
ترجمه: باشه، ممنون. می‌شود کنار پنجره بنشینم؟

نَعَمْ. الْبَوَابَةُ رَقْمُ ۱۲، وَالصُّعُودُ السَّاعَةُ الثَّالِثَةُ وَالنِّصْفُ.

کارمند

تلفظ: نَعَمْ. أَلْبَوَابَةُ رَقْمُ اثْنَا عَشَرَ، وَصُوعُودُ سَاعَتِ ثَالِثَةٍ وَنِصْفٍ.
ترجمه: بله. گیت شماره ۱۲، و سوار شدن ساعت سه و نیم است.

شُكْرًا لَكَ.

شما

تلفظ: شُكْرًا لَكَ.
ترجمه: از شما ممنونم.

نکته آموزشی – سه نکته از مکالمه ۱

- كَمْ + اسم مفرد منصوب (با تنوین «آ») = «چند؟»: كَمْ حَقِيبَةٍ؟ (چند چمدان؟). ولی «چقدر؟» برای پول هم با كَمْ ساخته می‌شود: كَمْ يَجِبُ أَنْ أَدْفَعَ؟
- شُكْرًا لَكَ به مرد و شُكْرًا لَكَ به زن. مثل تَفَضَّلْ / تَفَضَّلِي، عربی حتی در «ممنون» هم جنسیت مخاطب را نشان می‌دهد.
- يَجِبُ أَنْ + فعل = «باید...»: يَجِبُ أَنْ أَدْفَعَ (باید پرداخت کنم).

مکالمه ۲ – رسیدن به مقصد: کنترل گذرنامه و بار. شما با ویزای کار از تهران به دبی رسیده‌اید.

افسر / کارمند السَّلامُ عَلَیْکُمْ. ما سَبَبُ الزَّیَّارَةِ؟

تلفظ: اَسْ سَلَامُ عَلَیْکُمْ. ما سَبَبُ زِیَارَه؟

ترجمه: سلام. هدف سفرتان چیست؟

شما وَعَلِیْکُمُ السَّلام. لِلْعَمَلِ؛ عِنْدِي تَأْشِیرَةُ عَمَلٍ.

تلفظ: وَ عَلَیْکُمْ سَلَام. لِیْ عَمَلٍ؛ عِنْدِی تَأْشِیرَتُ عَمَلٍ.

ترجمه: سلام. برای کار؛ ویزای کار دارم.

افسر / کارمند أَيْنَ سَتَسْكُنُ؟

تلفظ: أَيْنَ سَتَسْكُنُ؟

ترجمه: کجا ساکن خواهید شد؟

شما فِي فُنْدُقٍ فِي الْبِدَايَةِ، ثُمَّ سَأَسْتَأْجِرُ شَقَّةً.

تلفظ: فِي فُنْدُقٍ فِیْ بِدَايَه، ثُمَّ سَأَسْتَأْجِرُ شَقَّه.

ترجمه: اولش در هتل، بعد یک آپارتمان اجاره می‌کنم.

افسر / کارمند أَنْظِرْ إِلَى الْكَامِيرَا... ضَعْ إصْبِعَكَ هُنَا.

تلفظ: أَنْظِرْ إِلَى كَامِيرَا... ضَعْ إصْبِعَكَ هُنَا.

ترجمه: به دوربین نگاه کنید... انگشتتان را اینجا بگذارید.

افسر / کارمند تَفَضَّلْ، أَهْلًا بِكَ فِي الْإِمَارَاتِ.

تلفظ: تَفَضَّلْ، أَهْلَنَ بِكَ فِیْ إِمَارَاتٍ.

ترجمه: بفرمایید، به امارات خوش آمدید.

شما لَوْ سَمَحْتَ، أَيْنَ اسْتِلاَمُ الْأَمْتَعَةِ؟

تلفظ: لَوْ سَمَحْتَ، أَيْنَسْتِلاَمُ أَمْتَعَه؟

ترجمه: (به یک کارمند) ببخشید، تحویل بار کجاست؟

افسر / کارمند رِحْلَةُ طَهْرَانِ؟ سِيرُ الْحَقَائِبِ رَقْمُ ٥.

تلفظ: رِحْلَتُ طَهْرَانِ؟ سِيرُ حَقَائِبِ رَقْمِ خَمْسَه.

ترجمه: پرواز تهران؟ نوار بار شماره ۵.

شما حَقِيقَتِي لَمْ تَصِلْ! أَيْنَ مَكْتَبُ الْأَمْتَعَةِ الْمَفْقُودَةِ؟

تلفظ: حَقِيقَتِي لَمْ تَصِلْ! أَيْنَ مَكْتَبُ أَمْتَعَةٍ مَفْقُودَه؟

ترجمه: (نیم ساعت بعد) چمدانم نرسیده! دفتر بار گم‌شده کجاست؟

افسر / کارمند هُنَاكَ، عَلَى الْيَسَارِ، بِجَانِبِ الْجَمَارِكِ.

تلفظ: هُنَاكَ، عَلَى يَسَارٍ، بِجَانِبِ جَمَارِكٍ.

ترجمه: آنجا، سمت چپ، کنار گمرک.

نکته آموزشی – آینده، امر و «خوش آمدید»

- سَ + مضارع = آینده: تَسْكُنُ (ساکن می‌شوی) ← سَتَسْكُنُ (ساکن خواهی شد)؛ سَأَسْتَأْجِرُ (اجاره خواهم کرد).
- فعل امر افسر را بشناسید: أَنْظِرْ (نگاه کن)، ضَعْ (بگذار)، اِنْتَظِرْ (صبر کن)، تَقَدَّمْ (جلو بیا). برای خانم‌ها «بی» اضافه می‌شود: اُنْظِرِي، ضَعِي.
- لَمْ + مضارع = گذشته منفی: لَمْ تَصِلْ (نرسید). لِلْعَمَلِ = «لِ» (برای) + «العمل».

اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها – تذکره، پرواز، طیاره

- تَذَكُّرَة در عربی یعنی «بلیت» (قطار، هواپیما، سینما)؛ ربطی به «تذکره» فارسی ندارد.
- «پرواز» را رَحْلَة بگویید؛ طَیْرَان یعنی «پرواز کردن» یا «هواپیمایی» (مثلاً اسم شرکت).
- إِقَامَة (اقامت) با تَأْشِیرَة (ویزا) فرق دارد؛ با ویزای کار وارد می‌شوید و بعد از آزمایش پزشکی و انگشت‌نگاری، اقامت صادر می‌شود.

فرهنگ و آداب – چند توصیه برای روز ورود

- به سؤال‌های افسر کوتاه و دقیق جواب بدهید؛ کپی ویزا، آدرس هتل و شماره کارفرما را روی گوشی و کاغذ داشته باشید.
- همراه بردن بعضی داروهای رایج در ایران (مثلاً داروهای حاوی کدئین یا ترامادول) به امارات بدون نسخه و مجوز ممکن است دزدساز شود؛ پیش از سفر فهرست داروهای کنترل‌شده کشور مقصد را بررسی کنید.
- سیم‌کارت را می‌شود همان سالن ورودی خرید؛ دنبال تابلوی شَرَائِحُ الْإِتِّصَالِ یا نام اپراتورها بگردید.

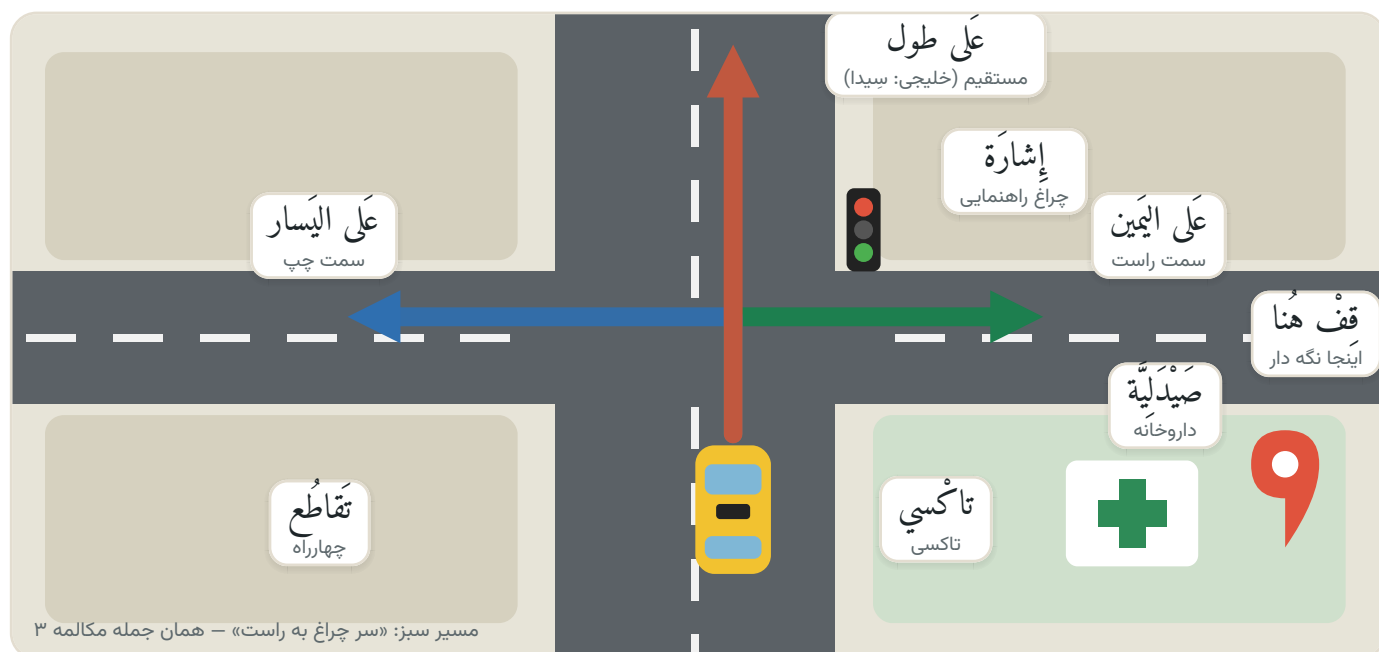
جمله‌های آماده برای فرودگاه

هوایما کی بلند می‌شود؟	مَتَا تُقْلِعُ طَائِرَهُ؟	مَتَى تَقْلَعُ الطَّائِرَةَ؟
پرواز تأخیر دارد؛ چند ساعت؟	أَرِحَلْتُ مُتَأَخِّرَةً؛ كَمْ سَاعَةٍ؟	الرَّحْلَةُ مُتَأَخِّرَةٌ؛ كَمْ سَاعَةً؟
گیت شماره ۱۲ کجاست؟	أَيْنَ بَوَّابَةِ رَقْمِ اثْنَا عَشَرَ؟	أَيْنَ الْبَوَابَةِ رَقْمِ ۱۲؟
کارت پروازم را گم کرده‌ام.	فَقَدْتُ بِطَاقَتِي صُعُودًا.	فَقَدْتُ بِطَاقَةَ الصُّعُودِ.
چیزی برای اظهار (در گمرک) ندارم.	لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ لِتَتَصَرَّحَ.	لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ لِلتَّصْرِيحِ.
این‌ها وسایل شخصی من است.	هَٰذِهِ أَغْرَاضِي شَخْصِيَّةٌ.	هَٰذِهِ أَغْرَاضِي الشَّخْصِيَّةِ.
کجا می‌توانم سیم‌کارت بخرم؟	أَيْنَ يُمَكِّنُنِي شِرَاءُ شَرِيحَةِ هَاتِفٍ؟	أَيْنَ يُمَكِّنُنِي شِرَاءُ شَرِيحَةِ هَاتِفٍ؟
عربی را خوب حرف نمی‌زنم؛ لطفاً آهسته صحبت کنید.	لَا أَتَكَلَّمُ عَرَبِيَّةً جَيِّدًا؛ تَكَلَّمْ ببطءٍ، مِنْ فَضْلِكَ.	لَا أَتَكَلَّمُ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا؛ تَكَلَّمْ ببطءٍ، مِنْ فَضْلِكَ.

۲ در تاکسی

في التاكسي

آدرس دادن، پرسیدن کرایه، راهنمایی راننده و پرداخت؛ یک بار به فصیحی و یک بار به گویش خلیجی.



واژه‌های کلیدی

عربی	تلفظ	معنی	در گویش خلیجی
سَيَّارَةٌ أُجْرَةٌ	سَيَّارَتْ أُجْرَه	تاکسی	تاکسی
الأجرة	آل أُجْرَه	کرایه	—
العداد	آل عَدَّاد	تاکسی‌متر	—
العنوان	آل عُنْوَان	آدرس	—
على اليمين / اليسار	عَلَّ يَمِين / آل يَسَار	سمت راست / سمت چپ	—
على طول	علا طول	مستقیم	سیدا: سیدا
قف هنا	قِفْ هُنَا	اینجا نگه دار	وَقَّفْ هِنِي: وَقَّفْ هِنِي
إشارة	إِشَارَه	چراغ راهنمایی	—
دَوَّار	دَوَّار	میدان (فلکه)	—
جسر	جِسْر	پل	—
زحمة	زَحْمَه	ترافیک، شلوغی	—
قريب / بعيد	قَرِيب / بَعِيد	نزدیک / دور	—
مُسْتَعِجِل	مُسْتَعِجِل	عجله دارم	—

الباقی	آل باقی	بقیه پول	—
سیّارة	سیّاره	ماشین (خودرو)	—

مکالمه ۳

مکالمه ۳ — تاکسی شهری (فصحای ساده). آدرس را روی گوشی نشان راننده می‌دهید و می‌خواهید جلوی داروخانه پیاده شوید.

شما	مَرْحَبًا، إِلَى هَذَا الْعُنْوَانِ مِنْ فَضْلِكَ. تلفظ: مَرْحَبَن، إِلَّا هَازِلْ عُنْوَانٍ مِنْ فَضْلِكَ. ترجمه: سلام، لطفاً به این آدرس.
راننده	مَرْحَبًا. فِي مَنْطَقَةِ دَيْرَةٍ؟ تلفظ: مَرْحَبًا. فِي مَنْطَقَتِ دَيْرِهِ؟ ترجمه: سلام. در منطقه دیره؟
شما	نَعَمْ. كَمْ الْأَجْرَةُ تَقْرِيْبًا؟ تلفظ: نَعَمْ. كَمَلْ أَجْرَتُ تَقْرِيْبًا؟ ترجمه: بله. کرایه تقریباً چقدر می‌شود؟
راننده	حَسَبَ الْعِدَادِ، حَوَالِي أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا. تلفظ: حَسَبَلْ عِدَاد، حَوَالَى أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا. ترجمه: طبق تاکسی‌متر، حدود چهل درهم.
شما	طَيِّبٌ. أَنَا مُسْتَعِجِلٌ؛ هَلْ هُنَاكَ زَحْمَةٌ؟ تلفظ: طَيِّبٌ. أَنَا مُسْتَعِجِلٌ؛ هَلْ هُنَاكَ زَحْمَةٌ؟ ترجمه: باشه. عجله دارم؛ ترافیک هست؟
راننده	قَلِيلًا، وَلَكِنَّ الطَّرِيقَ مَفْتُوحٌ بَعْدَ الْجِسْرِ. تلفظ: قَلِيلَن، وَ لَاكُنْتُ طَرِيقٌ مَفْتُوحٌ بَعْدَلْ جِسْر. ترجمه: کمی، ولی بعد از پل راه باز است.
شما	عِنْدَ الْإِشَارَةِ عَلَى الْيَمِينِ، ثُمَّ عَلَى طُولِ. تلفظ: عِنْدَلْ إِشَارَهْ عَلَلْ يَمِينِ، ثُمَّ عَلَا طُولِ. ترجمه: (نزدیک مقصد) سر چراغ به راست، بعد مستقیم.
شما	قِفْ هُنَا مِنْ فَضْلِكَ، أَمَامَ الصَّيْدَلِيَّةِ. تلفظ: قِفْ هُنَا مِنْ فَضْلِكَ، أَمَامَصْ صَيْدَلِيَّةِ. ترجمه: لطفاً اینجا نگه دارید، جلوی داروخانه.
راننده	تِسْعَةٌ وَثَلَاثُونَ دِرْهَمًا. تلفظ: تِسْعَتْن وَ ثَلَاثُون دِرْهَمًا. ترجمه: سی‌ونه درهم.
شما	تَفَضَّلْ خَمْسِينَ، وَاحْتَفِظْ بِالْبَاقِيِ. تلفظ: تَفَضَّلْ خَمْسِينَ، وَحْتَفِظْ بِلْ بَاقِيِ. ترجمه: بفرمایید پنجاه، بقیه‌اش مال خودتان.

نکته آموزشی – فعل امر در تاکسی

- قِفْ (بایست) به مرد، قَفِي به زن. راننده تاکسی معمولاً مرد است، پس «قِفْ».
- احْتَظْ بِالْبَاقِي یعنی «بقیه را نگه دار»؛ همان «بقیه‌اش مال خودتان».
- هُنَاكَ دو معنی دارد: «آنجا» و «وجود دارد، هست»: هَلْ هُنَاكَ زَحَمَةٌ؟ (ترافیک هست؟). هم‌معنی آن در گفتار: فِي زَحَمَةٍ؟
- حَوَالِي = حدوداً، تقریباً؛ حَسَبَ = طبق.

اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها – زحمت، ماشین، سیده

- زَحَمَةٌ یعنی «ترافیک، شلوغی»، نه «زحمت». برای «ببخشید زحمت دادم» بگویید آسِفَ عَلَى الْإِزْعَاجِ.
- «ماشین» را سَيَّارَةٌ بگویید؛ مَاكِينَةٌ یعنی «دستگاه».
- يَعْطِيكَ الْعَافِيَةَ دَقِيقاً همان «خدا قوت» فارسی است و جوابش اللَّهُ يَعَافِيكَ.

مکالمه ۴

مکالمه ۴ – همان موقعیت، این بار به گویش خلیجی. در خیابان‌های دبی، مسقط یا کویت بیشتر این‌طور می‌شنوید. عربی این مکالمه عامیانه است و عمداً اعراب فصیحی ندارد.

شما	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَبِي أَرْوَحَ الْمَطَارِ. تلفظ: اَسْ سَلَامْ عَلَیْکُمْ، اَبی اَرْوَح اِلْ مَطَارِ. ترجمه: سلام، می‌خواهم بروم فرودگاه.
راننده	وَعَلَيْكُمُ السَّلَامُ، حَيَّاكَ. أَيِّ مَبْنَى؟ تلفظ: وَ عَلَیْکُمْسَ سَلَامْ، حَیَّاک. اَیِّ مَبْنَا؟ ترجمه: سلام، خوش آمدی. کدام ترمینال؟
شما	مَبْنَى ثَلَاثَةِ. کَمْ تَاخِذْ؟ تلفظ: مَبْنَا ثَلَاثَه. کَمْ تَاخِذْ؟ ترجمه: ترمینال سه. چقدر می‌گیری؟
راننده	بِالْعَدَادِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ. تلفظ: بِلْ عَدَاد، اِنْ شَاءَ اللّٰه. ترجمه: با تاکسی‌متر، ان‌شاءالله.
شما	لَوْ سَمَحْتَ أَسْرِعَ شَوِيَّ، الطَّيَّارَةَ بَعْدَ سَاعَةٍ. تلفظ: لَوْ سَمَحْتَ اَسْرِعْ شَوِيَّ، اَطَّيَّارَه بَعْدَ سَاعَه. ترجمه: لطفاً کمی تندتر، هواپیما یک ساعت دیگر است.
راننده	لَا تُثِيلْ هَمَّ. تلفظ: لَا تُثِيلْ هَمَّ. ترجمه: نگران نباش.
راننده	وَصَلْنَا. تلفظ: وَصَلْنَا. ترجمه: (چند دقیقه بعد) رسیدیم.

مَشْكُور، يَعْطِيكَ الْعَافِيَةَ.

تلفظ: مَشْكُور، يَعْطِيكَ الْعَافِيَةَ.
ترجمه: ممنون، خدا قوت.

شما

اللَّهُ يَعْافِيكَ.

تلفظ: اللَّهُ يَعْافِيكَ.
ترجمه: خدا سلامتت بخشد.

راننده

در گویش خلیجی – فصیحی در برابر خلیجی

معنی	خلیجی	فصحی
می‌خواهم	أَبِي / أَبْغِي	أُرِيدُ
می‌روم	أَرْوَحُ	أَذْهَبُ
کمی	شَوِيّ	قَلِيلاً
الان	الْحَيْنَ	الْآنَ
کجا؟ / چه؟	وَيْنَ؟ / شو؟ (شِنُو؟)	أَيْنَ؟ / ماذا؟
خوب	زِين	جَيِّدٌ
نگران نباش	لا تُشِيلْ هَمَّ	لا تَقْلَقْ

فرهنگ و آداب – تاکسی در کشورهای مقصد

- در دبی و ابوظبی تاکسی‌های رسمی با تاکسی‌متر کار می‌کنند و اپلیکیشن‌هایی مثل «کریم» و «اوبر» هم رایج است. در دبی تاکسی‌هایی با سقف صورتی مخصوص خانم‌ها و خانواده‌هاست.
- در عراق و شهرهای کوچک‌تر اغلب تاکسی‌متر نیست؛ پیش از سوار شدن کرایه را توافق کنید: بِكَمْ إِلَى ٠٠٠؟ (تا ... چند؟).
- آدرس را به زبان عربی یا لوکیشن روی نقشه نشان بدهید؛ خیلی از رانندگان خلیج فارس اهل جنوب آسیا هستند و عربی ساده یا حتی اشاره بهتر از جمله‌های طولانی جواب می‌دهد.

جمله‌های آماده برای تاکسی

بِکَمْ إِلَى الْمَطَارِ؟	بِکَمْ إِلَى الْمَطَارِ؟	تا فرودگاه چند؟
شَغِلِ الْعَدَّادَ، مِنْ فَضْلِكَ.	شَغِّلْ عَدَّاد، مِنْ فَضْلِكَ.	لطفاً تاکسی‌متر را روشن کنید.
هَذَا هُوَ الْعُنْوَانُ.	هَذَا هُوَ عُنْوَان.	آدرس این است.
هَلْ هُوَ بَعِيدٌ؟	هَلْ هُوَ بَعِيد؟	دور است؟
إِنْتَظِرْنِي هُنَا خَمْسَ دَقَائِقَ.	إِنْتَظِرْنِي هُنَا خَمْسَ دَقَائِقَ.	پنج دقیقه اینجا منتظرم بمانید.
إِرْجِعْ، مِنْ فَضْلِكَ؛ فَاتِنَا الْمَكَانَ.	إِرْجِعْ، مِنْ فَضْلِكَ؛ فَاتِّلْ مَكَانَ.	لطفاً برگردید؛ از جا رد شدیم.

عِنْدَ الدَّوَّارِ الثَّانِي عَلَى الْيَسَارِ.
هَلْ عِنْدَكَ فَكَّةٌ؟

عِنْدَدَدَوَّارِثَانِي عَلَّلِ يَسَارِ.
میدان دوم به چپ.
هَلْ عِنْدَكَ فَكَّةٌ؟
پول خرد دارید؟

۳ تمرین و کارت جیبی

تَمارین

تمرین الف – هر تابلو کجا شما را می‌برد؟

تابلو	مقصد (به هم ریخته)
۰۱. الوُصُول	الف) گیت‌ها
۰۲. اِسْتِلاَمُ الْأَمْتَعَةِ	ب) صرافى
۰۳. البَوَابَات	ج) پروازهای ورودی
۰۴. صَرَّاف	د) کنترل گذرنامه
۰۵. الجَوَازَات	هـ) تحویل بار

تمرین ب – این رقم‌ها را به فارسی بنویسید

۵۰ . ۱۲ . ۴۶ . ۳۱۰ . ۶۵

تمرین ج – به راننده بگویید

۱. سر چراغ به چپ.

۲. لطفاً اینجا نگه دارید.

۳. تا فرودگاه چند؟

۴. ترافیک هست؟

پاسخ‌ها

الف: ۱-ج، ۲-ه، ۳-الف، ۴-ب، ۵-د | ب: ۵۰، ۱۲، ۴۶، ۳۱۰، ۶۵

ج: ۱. عِنْدَ الْإِشَارَةِ عَلَى الْيَسَارِ. ۲. قِفْ هُنَا مِنْ فَضْلِكَ. ۳. بِكَمْ إِلَى الْمَطَارِ؟ ۴. هَلْ هُنَاكَ زَحْمَةٌ؟

از این کادر عکس بگیرید و در گوشی نگه دارید

لِلْعَمَلِ؛ عِنْدِي تَأْشِيرَةُ عَمَلٍ.	لِلْعَمَلِ؛ عِنْدِي تَأْشِيرَةُ عَمَلٍ.	برای کار؛ ویزای کار دارم.
أَيْنَ الْبَوَابِ رَقْمٌ ...؟	أَيْنَ الْبَوَابِ رَقْمٌ ...؟	گیت شماره ... کجاست؟
أَيْنَ اسْتِئْجَارُ الْأَمْتَعَةِ؟	أَيْنَ اسْتِئْجَارُ الْأَمْتَعَةِ؟	تحویل بار کجاست؟
حَقِيقَتِي لَمْ تَصِلْ.	حَقِيقَتِي لَمْ تَصِلْ.	چمدانم نرسیده.
لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ لِّلْتَصْرِيحِ.	لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ لِّلْتَصْرِيحِ.	چیزی برای اظهار ندارم.
إِلَى هَذَا الْعُنْوَانِ، مِنْ فَضْلِكَ.	إِلَى هَذَا الْعُنْوَانِ، مِنْ فَضْلِكَ.	به این آدرس لطفاً.
شَغْلُ الْعِدَادِ، مِنْ فَضْلِكَ.	شَغْلُ الْعِدَادِ، مِنْ فَضْلِكَ.	تاکسی‌متر را روشن کنید.
عَلَى الْيَمِينِ / عَلَى الْيَسَارِ / عَلَى طُولِ	عَلَى الْيَمِينِ / عَلَى الْيَسَارِ / عَلَى طُولِ	راست / چپ / مستقیم
قِفْ هُنَا، مِنْ فَضْلِكَ.	قِفْ هُنَا، مِنْ فَضْلِكَ.	اینجا نگه دارید.
تَكَلِّمْ بِبُطءٍ، مِنْ فَضْلِكَ.	تَكَلِّمْ بِبُطءٍ، مِنْ فَضْلِكَ.	لطفاً آهسته صحبت کنید.